

# الگوی مناسب برای نظام بین‌المللی

از دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

تهران - ۱۳۷۸

(توضیح: این مقاله در شماره ۲۵ - پائیز ۱۳۷۸، در فصلنامه علمی-پژوهشی دانشور به چاپ رسیده است).

## چکیده

سطح کره زمین به ۱۹۹ کشور یا دولت تقسیم شده است که ۱۸۵ مورد آن عضو سازمان ملل متحد می‌باشند. بروز برخی حوادث در قرن ۱۹ و نیز جنگهای جهانی در قرن ۲۰ ضرورت تامین صلح، تنظیم روابط بین‌الملل و چاره‌اندیشی برای مسائل مشترک بشریت را مطرح کرد و باعث گردید که اندیشه ایجاد نظام بین‌المللی فراتر از سطح دولت ملی شکل بگیرد. هرچند برخی اندیشمندان، صاحب‌نظران و حتی سیاستمداران، ضرورت وجود حکومت جهانی را بیان کرده‌اند.

- به دنبال جنگ جهان اول، جامعه ملل تشکیل شد که بدلیل عدم موفقیت منحل گردید. پس از جنگ جهانی دوم سازمان ملل متحد با تصویب منشور آن در سال ۱۹۴۵ م در سانفرانسیسکو بوجود آمد که همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. ولی عملاً نتوانسته است چه در دوره جنگ سرد و چه بعد از آن وظایف خود را بنحو مطلوب انجام دهد. مضافاً به اینکه در طول نیم قرن گذشته مسائل جدید و مشترکی برای بشریت در حوزه‌های مختلفی پدید آمده است.

- سازمان ملل متحد موجود بدلیل مشکلات و نارسایی‌های ساختاری و کارکردی قادر به اداره مطلوب امور مشترک بشریت نیست. از این رو تحول اساسی در ساختار و کارکرد‌های آن و یا تاسیس نظام جدید بین‌المللی، با هدف ساماندهی سیاسی-فضائی جهان و مدیریت امور مشترک بشری و جهانی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

- این مقاله ضمن بررسی و تحلیل دو نظام ژئوپلیتیکی و حقوقی حاکم بر جهان و بیان نارسایی‌های سازمان ملل موجود از حیث ساختاری و کارکردی، ضرورت‌ها و ویژگی‌های نظام نوین بین‌المللی را بیان نموده و توضیح می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** سازمان ملل ، نظام بین الملل ، مدیریت جهانی ، سازمان بین المللی ، ژئوپلیتیک .

#### ۱- مقدمه :

جهان در حال حاضر دارای ۱۹۹ واحد سیاسی مستقل یا کشور می باشد که ۱۸۵ مورد آن در یک تشکل فراگیر جهانی یعنی سازمان ملل متحد عضویت دارند (۲) و خود را موظف به رعایت منشور، سیاستها، رویه ها و الگوهای رفتاری صادره از آن می دانند. این واحدهای سیاسی که هر یک نقشی در نظام جهانی دارد همچنان بازیگر اصلی در صحنه روابط بین المللی باقی مانده است. سابقه واحدهای سیاسی کنونی که بر اساس مفهوم دولت-ملت شکل گرفته اند به زمان انعقاد قرارداد صلح و ستفالی در سال ۱۶۴۸ م برمی گردد. که پس از آن واحدهای مستقل پدیدار شده و توجه بیشتری به حقوق بین الملل و تقویت سیستم امنیت جمعی به عمل آمد (۳) و اندیشه ایجاد یک نظام بین المللی که فراتر از سطح دولت ملی بوده و بتواند نسبت به تنظیم روابط بین الملل و برقراری صلح و امنیت در جهان اقدام کند، شکل گرفت.

البته در گذشته نیز اندیشه تاسیس حکومت جهانی به اشکال مختلف و با اهداف متفاوت مطرح بوده است. ادیان الهی بویژه اسلام به فطرت واحد بشری قائل بوده و در اندیشه حرکت به سوی وحدت جهانی بوده اند و بهترین روش دستیابی به آن را رسیدن بشر به بینش و عقیده واحد دانسته اند. اسلام در میان ادیان، برای دستیابی به صلح جهانی وحدت عقیده را ضروری ندانسته، معتقد است با رسمیت یافتن اصل توحید و استفاده از نقاط مشترک و کلی ادیان - که همان اعتراف به لزوم پرستش خدا و نفی هر گونه شرک است - دستیابی به این هدف امکان پذیر است. در حکومت جهانی که آرمان اسلام است زندگی مسالمت آمیز همراه با تعاون اجتماعی وجود داشته و ملیتها نیز با ویژگی های مخصوص به خود به حیات خود ادامه خواهند داد.\*

برتراند راسل اندیشمند انگلیسی معتقد بود اشتراک منافع، خانواده انسانی را بهم پیوند خواهد داد (۴). امانوئل کانت به منظور برقراری صلح بوسیله یک مکانیسم سیاسی متشکل، پیشنهاد "دولت بین‌المللی جهانی" را ارائه داد.

اچ جی. ولز نظم نوین جهانی را بر پایه "دولت جهانی" خواب دید که از آموزش و پرورش و دین مشترک برخوردار بوده و غیر نظامی است. کلارنس استریت، نظم جدیدی را بر پایه فدرالیسم جهانی ارائه داد که در کانون آن اتحادیه ای از دموکراسیهای اقیانوس اطلس شمالی قرار داشت (اروپائی - آمریکایی). آدولف هیتلر نیز نظم نوین جهانی را بر پایه سلطه آلمان نازی تعقیب می کرد. (۵) والرشتاین و ساموئل کوهن نیز نظم جهانی را در دهه هفتاد و نود تئوریزه کردند. (۶) هانس مورگنتا یکی از بنیان گذاران مکتب رئالیسم در روابط بین الملل، تنها راه سامان دادن به تنشهای سیاسی و تعارض منافع بین کشورها را در تشکیل یک "دولت جهانی" میدانست. (۷)

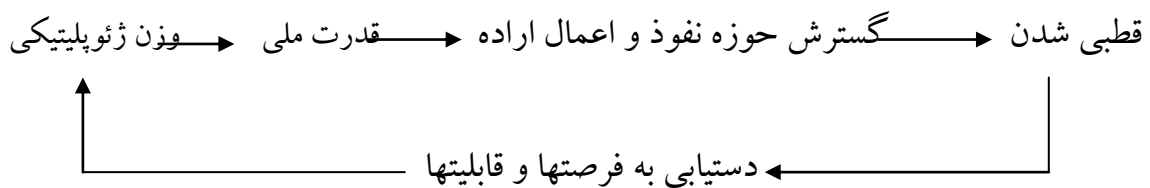
در قرن بیستم و پس از تجربه دو جنگ جهانی (۱ و ۲) و با هدف برقراری امنیت و صلح جهانی، اندیشه ایجاد سازمانهای بین‌المللی فراگیر از سوی روسای جمهوری آمریکا مطرح شد. بعد از جنگ جهانی اول ایجاد جامعه ملل متفق و نیز پس از جنگ جهانی دوم ایده سازمان ملل متحد ارائه گردید و هر دو نیز تاسیس شدند ولی جامعه ملل منحل گردید و سازمان ملل همچنان پایدار باقی ماند اما به دلیل مشکلات و کاستیهای ساختاری و کارکردی نتوانسته است پاسخگوی نیاز جهانی باشد. از اینرو ضرورت تجدید نظر در آن و ارائه الگوی جدیدی برای مدیریت امور جهانی احساس می شود که این مقاله نیز کوششی در همین جهت است.

---

\* دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)؛ تهران؛

جهان تاکنون دو نظام را که حاکم بر روابط کشورها و دولتها بوده است تجربه کرده است. این دو عبارتند از: ۱- نظام ژئوپلیتیکی ۲- نظام حقوقی.

نظامهای ژئوپلیتیکی که دارای انواعی می باشد، منعکس کننده مناسبات قدرت در واحد های سیاسی جهان است. در این نظامها، روابط دولتها و کشورها بر پایه وزن ژئوپلیتیکی تولید کننده قدرت آنها و جایگاهی که در سلسله مراتب قدرت جهانی دارند تنظیم میشود. کارکرد چنین نظامهایی، سازمانیابی واحد های سیاسی، برگرد محوری است که قدرتمندترین آنها را تشکیل می دهد و حاصل و نتیجه چنین روابطی بصورت سلطه گری، سلطه پذیری، استعمار، استثمار، بلوک بندی، وابستگی و نظایر آن متبلور می گردد. بر این اساس کشورها و دولتها همیشه در تکاپوی کسب قدرت و افزایش قدرت ملی خود، به منظور ارتقاء شان ژئوپلیتیکی خود در نظامهای جهانی و منطقه ای بوده تا بتوانند ضمن تامین امنیت ملی خود، حوزه نفوذ و قدرت اعمال اراده سیاسی و تامین و تضمین نیازها و اهداف ملی شان را گسترش دهند.



نظامهای ژئوپلیتیکی در مقیاسهای مختلف محلی، منطقه ای، قاره ای و جهانی، و در اشکال متفاوت یک قطبی، چند قطبی و نظایر آن قابل تصور هستند و دارای خصلت سلسله مراتبی و جریان یابی پدیده ها از مرکز به پیرامون یا از یک قطب به توابع می باشند. این نظامها از پایداری برخوردار نبوده و حالتی دینامیک دارند و با تغییر در وضع و وزن ژئوپلیتیکی اعضاء آن، دچار تحول می گردند. از این رو فرایند رقابت، کشمکش و یا همکاری بین قدرتهای مسلط نظامها در سطح منطقه ای یا جهانی در ابعاد مختلف شکل می گیرد.

نظامهای ژئوپلیتیکی از سوی صاحب نظران و محققین ژئوپلیتیک و روابط بین الملل مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و حتی بعضاً تئوریزه شده است. در این میان می توان علاوه بر نظریه های کلاسیک ژئوپلیتیک، به کارهای والرشتاین و پیتر تیلور (۸)، سائل. بی. کوهن در تبیین تکامل سیستم ژئوپلیتیکی (۹) و نیز جان اگنیو و کوربریدج (۱۰) اشاره کرد. همچنین کسانی چون هانس

مورگنتا مناسبات بین المللی را مناسبات قدرت دانسته (۱۱) و مورتون کاپلان و کالوی هالستی ،  
نظامهای بین المللی را بر این اساس طبقه بندی نموده اند . (۱۲)

نظامهای حقوقی که خود انوعی دارند براساس حقوق و احترام متقابل دولتها و براساس اراده آنها  
بوجود می آیند . این نظامها در سطوح منطقه ای و جهانی و در ابعاد مختلف جامع یا بخشی شکل  
گرفته و بصورت رسمی و باتایید نمایندگان رسمی دولتها و نیز تصویب در مجامع قانونگزاری ملی  
بوجود می آیند . در واقع سازمانهای بین المللی ، اجتماعی از کشورهاست که براساس یک معاهده  
چند جانبه بین المللی و برای وصول به اهداف مشترک بوجود آمده و از شخصیت حقوقی  
برخوردارند . (۱۳)

در این سازمانها دولتها دارای حقوق و تکالیف برابر هستند و این امر از اصل حاکمیت و برابری  
دولتها که یکی از اصول مسلم حقوق بین الملل می باشد ناشی می گردد . اصل برابری حقوقی  
دولتها در اعلامیه اصول حقوق بین الملل مصوب سال ۱۹۷۰ م تصریح گردیده است . (۱۴)

از نظر تاریخی تکوین نظامهای بین المللی رسمی به قرن نوزدهم برمی گردد ولی توسعه چند جانبه  
و منسجم آنها و شکوفائی نهضت سازمانسازی و نهادینه کردن نظامها به قرن بیستم مربوط میشود  
که آن را می توان واکنشی به بروز انقلابهای علمی ، فنی و صنعتی و نیز پیامدهای هولناک و  
فزاینده درگیریهای نظامی قرون ۱۹ و ۲۰ تلقی کرد (۱۵). در قرن نوزدهم سه جریان بر سیر تحول  
سازمانهای بین المللی تاثیر گذاشت که عبارتند از : ۱- اتفاق اروپا ناشی از کنگره ۱۸۱۵ وین ۲-  
کنفرانسهای لاهه در سال ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ پیرامون رفورم و اصلاح روابط بین الملل و توسعه حقوق  
بین الملل ۳- اتحادیه های بین المللی ناشی از تحولات فنی ، اجتماعی ، اقتصادی و صنعتی (۱۶).

نتایج جنگ جهانی اول و کنفرانس صلح پاریس در ۱۹۱۹ باعث پیدایش “جامعه ملل متفق” بر  
اساس پیشنهاد ویلسون رئیس جمهوری آمریکا گردید (۱۷) که به دلیل فقدان مکانیزم اجرای صلح  
و خروج برخی از کشورهای قدرتمند و نقض صلح از سوی آنها با شکست روبرو شده، نتوانست  
از شعله ور شدن جنگ جهانی دوم جلوگیری کند . (۱۸)

نتایج جنگ جهانی دوم منجر به تشکیل کنفرانس ملل متحد در سانفرانسیسکو و تصویب منشور  
سازمان ملل متحد که از سوی روزولت رئیس جمهوری آمریکا پیشنهاد شده بود در ۲۶ ژوئن  
۱۹۴۵ گردید . (۱۹) هدف از تاسیس این سازمان حفظ صلح و امنیت بین المللی ، توسعه روابط  
دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام متقابل و اصل تساوی حقوقی دولتها و نیز احترام به حقوق بشر

بیان شده است و بر اصل تساوی حاکمیت اعضا و حل و فصل اختلافات به وسایل صلح آمیز و خود داری اعضا از تهدید بزور و یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی دیگر اعضا تأکید شده است (۲۰). سازمان ملل دارای ارکان مجمع عمومی ( مرکب از نمایندگان دولتهای عضو )، شورای امنیت، شورای قیمومیت، دیوان بین المللی دادگستری، شورای اجتماعی و اقتصادی و دبیرخانه می باشد.

مجمع عمومی در چارچوب منشور ملل متحد می تواند توجیه هایی به اعضا بنماید و اختیار تصمیم گیری و قدرت اجرائی ندارد و شورای امنیت که از ۱۵ عضو برخوردار است از قدرت تصمیم گیری و اجرائی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی برخوردار است. شورا از پنج عضو دائم دارای حق وتو ( آمریکا، روسیه، فرانسه، چین و انگلیس ) و ۱۰ عضو غیر دائم برخوردار است. دیوان بین المللی دادگستری به عنوان رکن قضائی ملل متحد به اختلافها رسیدگی نموده و رای صادر می کند ولی ضمانت اجرائی آن بعهده شورای امنیت می باشد (۲۱). همانطور که ملاحظه می شود شورای امنیت نهادی است که از قدرت تصمیم گیری و اجرائی بالائی برخوردار است و خود نیز تحت تاثیر اراده پنج عضو دائم خود که در واقع قدرتهای کلاسیک جهان پس از جنگ می باشند قرار دارد. این ویژگی یکی از نقاط ضعف بزرگ ساختاری سازمان ملل محسوب میشود. سازمان ملل تاکنون نتوانسته است در ۴۱ مورد از عملیات پاسداری از صلح شرکت نماید که ۷ مورد آن هنوز در مناطق بحرانی جهان ادامه دارد (۲۲). سازمان و شورای امنیت اگرچه پس از جنگ سرد فعالتر شده است ولی بدلیل رقابت قدرتها در دوره جنگ سرد و حق وتوی آنها و نیز تحولات پس از جنگ سرد نتوانسته است در ماموریت خود موفق باشد (۲۳).

همانطور که ملاحظه گردید جهان با دو نوع نظام ژئوپلیتیکی و حقوقی روبروست که اولی غیر رسمی بوده و بر اساس مناسبات قدرت شکل می گیرد و دیگری رسمی بوده و براساس اصل حقوقی برابر و حاکمیت مستقل دولتها و کشورها به وجود می آید. نکته ای که باید به آن پرداخته شود اینست که نظام حقوقی و رسمی غالباً تحت تاثیر نظام ژئوپلیتیکی بوده است و روابط قدرت نه تنها بر شکل رابطه دو جانبه و چند جانبه کشورها تاثیر داشته است بلکه سازمانهای رسمی منطقه ای و جهانی را نیز متأثر نموده است. بطوری که در حوزه های ژئوپلیتیکی که پیمانهای منطقه ای بظهور رسیده است، عملاً رهبری و هدایت فرآیندهای آن در دست قدرتمندترین عضو یا اعضای پیمان و اتحادیه منطقه ای بوده است. در سطح جهانی نیز همین وضعیت قابل مشاهده

است که نمونه روشن آن تاثیر گذاري قدرتهای جهانی بر امور بین المللی از طریق شورای امنیت ، یا سازمانها و شرکتهای بین المللی و جهانی مربوط به خود می باشد .

### ۳- ضرورتهای ناظر بر نظام نوین بین المللی :

غرض از ضرورتهای ، اشاره به آن دسته از ویژگی های کنونی جهان است که در ورای توانائی های دولتهای ملی قرار داشته و اساساً سرشتی کروی و جهانی دارند و لزوم وجود یک نظام بین المللی که مدیریت امور جهانی را بدست گیرد مورد تائید قرار می دهند . نظامی که بر پایه حقوق و تکالیف برابر و احترام متقابل ملتها و دولتها پایه ریزی شده و قادر به پاسخگویی به نیازهای فزاینده بین المللی باشد .

#### ۳/۱- ناکارآمدی سازمان بین الملل موجود :

سازمان ملل به عنوان یک نظام رسمی بین المللی اولاً در شرایط پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته و با مقتضیات نیم قرن پیش تناسب داشته است ثانیاً در فلسفه وجودی آن ، تاکید زیادی بر حفظ صلح و امنیت بین المللی شده است در حالیکه مسائل جهانی از ابعاد دیگری نیز برخوردارند. نقائص ساختاری سازمان ملل عبارتند از :

الف: پاسخگو نبودن مفاد منشور ملل متحد برای همه امور مشترک و عمومی جهانی و بشری.

ب: کم رنگ بودن نقش دولتهای عضو در امور صلح و امنیت عمومی برپایه حق مساوی و تمرکز اقتدار این امر در نهاد شورای امنیت و پنج کشور برخوردار از حق وتو .

ج: حاشیه ای بودن نقش مجمع عمومی سازمان ملل که اساساً مرکب از نمایندگان دولتهای عضو می باشد و محدود شدن این نقش در امور مشاوره ای و توصیه ای و نه در امر تصمیم گیری و اجرا  
د: تاثیر پذیری سازمان ملل از اهداف و مقاصد چند دولت قدرتمند جهان به ویژه آمریکا . حتی تلاش تعدادی از اعضا مجمع عمومی برای افزایش اعضای شورای امنیت از ۱۵ عضو به ۲۴ عضو بدلیل مخالفت آمریکا به نتیجه ای نرسید (۲۴).

ه : اظهار نظر آقای کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل در پنجاه و یکمین اجلاس در خصوص نامتناسب بودن ساختار سازمانی و کاهش کارآئی اداری و اجرایی آن (۲۵).

و: فقدان نهاد های درون سازمانی مورد نیاز برای رسیدگی به برخی امور جهانی ، نظیر بزه کاریها و جرائم بین المللی ، تروریسم ، مواد مخدر ، فقر جهانی ، حقوق زنان ، تجاوز دولتها به حقوق آحاد ملت خود .

ز: مشکلات مالی و عدم انجام تعهدات از سوی کشورهایی نظیر آمریکا که نوعی بحران مالی را سبب شده است (۲۶).

ح: نا متناسب بودن ساختار شورای امنیت و تقسیم اعضاء به دو گروه دائم و غیر دائم.

### ۳/۲- بروز تحولات اساسی در جامعه جهانی و روابط ملتها و ابناء بشر :

جامعه جهانی دائم در حال تحول است و الگوی روابط ملتها نیز دائماً در حال تغییر است . از یکسو تکنولوژی ارتباطات در افزایش آگاهی ابناء بشر و جهانی نمودن برخی خصلتها و ارزشها و پیوند و نزدیک سازی جوامع عمل می کند تا حدی که نظریه دهکده جهانی یا دهکده الکترونیک را که از سوی مک لوهان ارائه گردیده شکل می دهد (۲۷). از سوی دیگر به شکل گیری نیروی جدیدی در درون گروه های انسانی متجانس منجر می شود که خود آگاهی هویتی و ارزشگذاری فرهنگ خودی و آرزوطلبی ، اعتلا و درخشش هویت خودی را در انسانها تقویت می کند و فرآیند کوشش ، تلاش ، رقابت ، همکاری و درگیری ، تقویت حس قوم گرایی ، مکان گرایی ، ناحیه گرایی ، نژاد گرایی ، دین گرایی و نظایر آن باعث می شود ( جنوب آسیا ، آفریقا، اروپا ، آسیای مرکزی و غیره ) بطوریکه بر شکل گیری نظریه های جدیدی که فرایند رقابت ، درگیری بین اجتماعات بشری را توضیح می دهند اثر می گذارد . نظریه “برخورد تمدنها”ی ساموئل هانتینگتون (۲۸)، نظریه “ پایان تاریخ ” فرانسیس فوکویاما (۲۹)، نظریه “ تکرار گذشته در آینده ” یا بازخیزی درگیری دولتهای ملی جان مرشایمر (۳۰)، و نظریه برخورد تمدنهای موج اول و دوم و سوم الوین تافلر (۳۱)، و غیر آن ، چشم انداز ژئوپلیتیکی آینده جهان و نوع رابطه بین گروه ها و اجتماعات بشری را تصویر می نمایند . بنابراین وجود نظام بین المللی جدیدی برای کنترل فرآیندهای خصومت آمیز و تنظیم روابط ابناء بشر و ملتها ضروری است .



دولتهای ملی در دو جهت درون کشوری و برون کشوری سعی بر گسترش حوزه اقتدار خود داشته اند؛ در سطح بین المللی و برون کشوری به بهانه امنیت و منافع ملی و استقلال داخلی و در سطح درون کشوری با گسترش جبر اداری و سازمانی و کنترل امنیتی و پلیسی. ولی مدتهاست که دولتهای ملی و حکومتها از نظر حفظ اقتدار خود دچار چالش شده و بتدریج موقعیت خود را از دست می دهند و احتمال می رود که الگوی دولت ملی که از حدود سه قرن قبل، الگوی غالب در نظام سیاسی فضائی جهان بود دچار تحول گردد.

از داخل کشورها سه فرایند بر این پدیده اثر می گذارد که عبارتند از:

- ۱- تقاضای ملتها برای سهم بیشتر در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود و وادار کردن دولتها به توسعه دموکراسی و جامعه مدنی.
  - ۲- تکثرگرایی ناشی از تمایزات فرهنگی، قومی و هویتی که به تقسیم کشورها می انجامد (شوروی سابق، یوگسلاوی).
  - ۳- ناتوانی در پاسخگویی دولتها به نیازهای روبه رشد و متحول جامعه، زیرا سازمان سیاسی دولتها مربوط به مقتضیات گذشته است (۳۲).
- در بعد فراکشوری نیز اقتدار دولتها کاهش یافته و مفهوم استقلال دچار دگرگونی شده است. توسعه تکنولوژی ارتباطات، توریسم، گسترش شرکتهای چند ملیتی و متاثر شدن تصمیمات ملی از اهداف و کارکرد اینگونه شرکتهای (۳۳)، گسترش سازمان های غیر حکومتی (N.G.O) (۳۴)، توسعه سازمانهای بین المللی و منطقه ای (۳۵) که بر روند تصمیمات دولتهای ملی تاثیر تعیین کننده دارند، گسترش حقوق بین المللی و نظایر آن جملگی بر حدود اختیار و اقتدار دولتها تاثیر می گذارند. از سوئی دیگر الگوها و ارزشهایی را که سازمانهای بین المللی اعم از دولتی و غیر دولتی مطرح می نمایند براساس قوانین نظریه پخش (۳۶)، بدرون قلمرو دولتهای ملی انتشار یافته و بعضاً توسط نهادهای ملی زمینه تحقق آنها فراهم می شود.
- اقتدار دولتها همچنین از طریق اقداماتی نظیر حفظ صلح و امنیت بین المللی، حقوق بشر، خلع سلاح، ثبت نقل و انتقالات تسلیحات، ضرورتهای زیست محیطی و غیر آن محدود می شود و به عنوان یک بازیگر جهانی استقلال عمل خود را از دست می دهند (۳۷).

از آنجائیکه که دولتها اختیارات و اقتدار خود را به تدریج از دست می دهند، ضرورت دارد سطح دیگری از کنترل سیاسی وجود داشته باشد تا مسایل، مسئولیتها و اختیارات کاهش یافته دولت ملی به آن منتقل گردد و از بروز عدم تعادل و تشنج در روابط بین ملتها جلوگیری نماید.

#### ۳/۴- مدیریت مسائل مشترک جهانی : مسائلی که سرشت کروی دارند بشرح زیر :

- توسعه پایدار و کنترل بهره برداری از منابع و بنیادهای زیستی تجدید ناپذیر بویژه آب و خاک و انرژی .
- حفاظت از محیط زیست و کنترل آلودگی ها و جلوگیری از بروز عدم تعادل در ساخت اکولوژیک جهان نظیر گرم شدن زمین و توسعه فرایند بیان زایی ( ۳۸).
- کنترل بحرانها و کشمکش های منطقه ای و محلی و جلوگیری از تداوم و گسترش آن و ایجاد فضای صلح آمیز.
- کمک رسانی و امداد به آسیب دیدگان از سوانح طبیعی و جنگ زدگان
- حل پدیده فقر و گرسنگی و بی عدالتی اجتماعی و فضائی-جغرافیایی جهان بویژه در روابط شمال و جنوب
- توسعه رفاه اجتماعی و ارائه الگوی تکامل یافته برای جوامع بشری
- کنترل تسلیحات اتمی و کشتار جمعی بویژه در ارتباط با قدرتهای بزرگ جهانی و منطقه ای
- کنترل بزهکاری ها و جرائم بین المللی از سوی اشخاص و دولتها
- کنترل تحولات اقتصادی و مالی و جلوگیری از بروز بحرانهای اقتصادی جهانی و منطقه ای
- تامین صلح و امنیت بین المللی و مجازات متجاوزین و متخلفین اعم از اشخاص و دولتها
- تامین سلامت ابنا بشر و کنترل بیماری های مسری و جدید
- ایجاد نهاد های مشترک جهانی برای امور مختلف ارتباطی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و غیره .
- مدیریت و ایجاد مکانیزمهای دسترسی و بهره برداری از محیط های عمومی جدید نظیر اقیانوسها ، قطبها ، فضا .
- مراقبت و کنترل تحولات جمعیتی جهان و توسعه انسانی .
- کنترل تکنولوژی ارتباطات و بهره برداری از آن .

- انتشار تکنولوژی ها و نوع آوری ها و رویه های جدید برای رشد و کمال جوامع بشری .

۳/۵- مراقبت و دفاع از حقوق بشر: هرچند مسئله احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی در ماده ۱ منشور ملل متحد مورد تاکید قرار گرفته و دو کنفرانس بین المللی در سال ۱۹۶۸ در تهران و در ۱۹۹۳ در وین برگزار شده است (۳۹) ولی علاوه بر مشکل بهره برداری سیاسی از سوی قدرتهای بزرگ بویژه آمریکا ، به دلیل فقدان ضمانتهای اجرایی این مسائل همچنان حل نشده باقی مانده است . لذا جنبه های حقوق بشر در زمینه های زیر مستلزم وجود سازمان بین المللی برخوردار از ضمانت و قوه اجرائی می باشد .

- حقوق آوارگان ناشی از فشارهای سیاسی داخل کشور و یا نا امنی های طبیعی و غیر آن .
- حقوق پناهندگان سیاسی و مهاجرین و اتباع بیگانه که به دلایل مختلف وارد کشورها میشوند .
- حقوق توریستها و سیاحان .
- حقوق زندانیان اعم از سیاسی و غیر سیاسی بویژه زندانیان خارجی و غیر بومی
- حقوق اقشار اجتماعی ناتوان نظیر زنان ، کودکان ، پیران و سالخوردگان ، کارگران ، رعایا ، فقرا و ...

- حقوق تمام یا بخشی از آحاد ملت که از سوی دولتهایشان مورد تجاوز و تعدی قرار گرفته اند بویژه حقوق نیروها و مبارزین سیاسی ، صاحبان قلم ، نویسندگان ، دانشگاهیان ، علما و غیره . جامعه جهانی در این رابطه تجارب تلخی دارد و دولتهای ملی به بهانه استقلال و حاکمیت ملی که ریشه در مفهوم دولت-ملی دارد در موارد تظلم ملتھایشان ، مانع از دخالت سازمان ملل میگرددند . آنچه که بر مردم سومالی ، عراق ، بوسنی و هرزگوین ، کوزوو ، افغانستان ، فلسطین ، الجزایر و نظایر آن گذشته و یا می گذرد نمونه ای از این تجارب تلخ می باشد . که ضرورت دخالت نیروها فوق ملی و یا بین المللی را اجتناب ناپذیر می نماید .

#### ۴- **الگوی نظام بین الملل یا نظریه "مدیریت امور جهانی"**

نظام نوین بین المللی با هدف سازماندهی سیاسی-فضائی جهان و مدیریت امور مشترک بشری از ویژگی های زیر برخوردار می باشد :

۴/۱- مشروعیت نظام از آراء ملتها در رابطه با امور جهانی که سرنوشت مشترک بشریت است مایه گرفته و دولتهای ملی به نمایندگی از سوی ملت‌هایشان در تاسیس و شکل‌گیری امور و فرایندهای آن مشارکت می‌نمایند. متقابلاً نظام بین‌المللی نیز حافظ دموکراسی در جوامع بشری بوده و اصل انتخاب حکومت‌های ملی بر اساس رای مردم را تضمین خواهد نمود و با دخالت مستقیم، مانع از استقرار یا تداوم نقش دولتهایی که به روشهای غیر دموکراتیک پدید آمده و یا حقوق آحاد ملت خود را نادیده می‌گیرند، خواهند شد.

۴/۲- ملتها از طریق نماینده ویژه خود در آن دارای حق مساوی بوده و در تعهدات آن بویژه تعهدات مالی نسبت به نظام، نیز مسئولیت مساوی خواهند داشت.

۴/۳- تصمیمات متخذه در امور جهانی با حداقل ۳/۴ آرا نمایندگان ملتها، نافذ بوده و به عنوان سیاست و قانون بین‌المللی مورد احترام اعضاء خواهد بود.

۴/۴- برای تعهدات مالی و بودجه‌ای کشورهای کوچک و ضعیف در صورت ناتوانی، مجمع عمومی آن منابع جدیدی را پیش‌بینی و تصویب می‌نماید (میراث مشترک بشریت در اقیانوسها و غیر آن)

۴/۵- مجمع عمومی رکن عالی و اصلی نظام بین‌المللی و تصویب‌کننده سیاستها و قوانین مربوط به امور جهانی و بین‌المللی با رای اکثریت قاطع ۳/۴ اعضا بوده و از قدرت تصمیم‌گیری و اجرایی برخوردار است. ایجاد نهادهای دیگر و وظایف آنها به تصویب مجمع عمومی می‌رسد.

۴/۶- مجمع عمومی برای هر یک از امور بین‌المللی و جهانی نظیر صلح و امنیت، خلع سلاح، محیط زیست، علم و تکنولوژی، فرهنگ و آموزش، بهداشت، حقوق بشر، داوری بین‌المللی و غیره، نهاد‌های ویژه‌ای تشکیل داده و بر کار آنها نظارت و کنترل اعمال خواهد نمود.

۴/۷- هیچ کشور و دولتی به اعتبار منزلت ژئوپلیتیکی خود، در مجمع عمومی یا نهاد‌های دیگر و عمومی بین‌المللی از امتیازات ویژه‌ای برخوردار نمی‌باشد و ملتها همگی دارای حقوق مساوی و مشارکت یکسان خواهند بود.

۴/۸- دولتها و ملتها ملزم به اجرای مصوبات مجمع عمومی بوده و در صورت استنکاف و نداشتن دلایل موجه به تشخیص مجمع عمومی مشمول اقدامات مصوب مجمع عمومی قرار خواهند گرفت.

۴/۹- ساختار تشکیلاتی نظام بین المللی سه سطحی خواهد بود که عبارتست از: ۱- سطح بین المللی و جهانی ۲- سطح منطقه ای ۳ سطح ملی. این سطوح در یک نظام سلسله مراتبی قرار میگیرند و تشکیلات سطح منطقه ای، مشابه تشکیلات سطح جهانی خواهد بود ولی قلمرو تصمیم گیری و فعالیت آن، اموری خواهد بود که سرشت منطقه ای دارند و خارج از حیطه اختیارات نظام جهانی می باشد. در واقع نظام جهانی صلاحیت تصمیم گیری در امور مشترک جهانی، و نظام منطقه ای صلاحیت تصمیم گیری در امور مشترک منطقه ای را خواهند داشت.

۴/۱۰- نظام منطقه ای از مجمع عمومی مرکب از نمایندگان دولتهای منطقه برخوردار بوده و نهاد های منطقه ای متناظر با نظام بین المللی و جهانی را تاسیس خواهد نمود.

۴/۱۱- موقعیت جغرافیایی و مقر نظام بین المللی جهانی ترجیحاً در برقدیم، و مقر نظامهای منطقه ای ترجیحاً در سرزمین یکی از کشورهای متوسط منطقه تعیین می شود و فضای جغرافیایی مقرهای منطقه ای و جهانی از قلمرو صلاحیت دولتهای ملی خارج بوده و منحصراً در قلمرو صلاحیت نظام مربوطه خواهد بود. مقر نظام منطقه ای با رای نمایندگان دولتهای عضو انتخاب میشود و کشورهای واقع شده فی مابین دو منطقه جغرافیایی، درباره الحاقشان به یکی از مناطق میتوانند تصمیم بگیرند.

۴/۱۲- ساماندهی نظامهای منطقه ای و جهانی باید به گونه ای باشد که سازمان سیاسی- فضا در سطح کره زمین در قالب نظم تشکیلاتی سه سطحی کامل گردد و امکان مدیریت شورایی و جمعی یکپارچه و واحد بر جهان و تمامی مناطق جغرافیایی آن فراهم آید.

## ارجاعات مقاله

- 2- The United Nations at 50, United Nations, New York, Aug 1995, p.76
- The World Almanac 1997, World Almanac books, New Jersey, 1997, pp. 737-837
- ۳- قوام، عبد العلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ اول، سمت، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۶
- ۴- موسوی فر، مرضیه، نظام ولایت فقیه و روابط بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲، صص ۱۳۳-۱۳۲
- 5- G.J.Demko and W.B, Wood, Reordering the World, West view press, USA, 1994, p.19
- 6- Ibid, p.15
- ۷- اسلامی، مسعود، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره ۱، ۱۳۷۵، نمایندگی دائم ج.ا.ایران در سازمان ملل متحد، نیویورک،
- 8- Peter Taylor, political Geography, Longman group, U.K. 1993, p.4
- R.J.Johnson and P.J.Taylor, A world in crisis, Basil Blackwell, U.S.A, 1990, p.333
- 9- Saul.B.Cohen, Reordering the World, op.cit, p.15
- 10- A World in Crisis, op.cit, p.266
- ۱۱- روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین المللی، سمت، تهران، ۱۳۷۴، ص ۹۱
- ۱۲- همان، ص ۱۱۰
- ۱۳- مقتدر، هوشنگ، حقوق بین الملل عمومی، چاپ سوم، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۰۶

- ۱۴- موسی زاده ، رضا ، کلیات حقوق بین الملل عمومی (جلد ۱) ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۷۶ ، ص ۴۸
- ۱۵- کلاد ، اینیس ل. ، ارزیابی سازمانهای بین المللی در قرن بیستم ، ترجمه فرهنگ رجائی ، چاپ دوم ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، تهران ، ۱۳۶۹ ، ص ۱۷
- ۱۶- مقتدر ، هوشنگ ، پیش گفته ، ص ۳۰۷
- ۱۷- کلیار ، کلود آلبر ، نهاد های روابط بین الملل ، ترجمه هدایت اله فلسفی ، نشر نو ، تهران ، ۱۳۶۸ ، ص ۹۲
- ۱۸- ابی صعب ، ژرژ ، مفهوم سازمان بین المللی ، ترجمه ایرج پاد ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۷۳ ، صص ۵۴-۵۸
- 19- Basic facts about the United Nations, United Nations , New York, 1995 , p.3  
20- Ibid, pp.4-5  
21- Ibid, pp.6-16  
22- United Nations Peace Keeping, United Nations , New York , 1995 , p.63  
23- Reordering the World, p.19
- ۲۳- راهنمای آموزشی درباره سازمان ملل متحد ، مرکز اطلاعات سازمان ملل ، تهران ، ۱۳۷۵ ، ص ۶۷
- ۲۴- سیمای جمهوری اسلامی ایران ، جمعه ۱۳۷۶/۷/۵ ، اخبار ساعت ۲۲/۳۰
- ۲۵- روزنامه قدس ، شماره ۲۸۸۱ ، سه شنبه ۱۳۷۶/۹/۱۸ ، ص ۸
- ۲۶- صمدی ، جلال ، فصلنامه مطالعات سازمان ملل ، نمایندگی دائمی ج.ا. ایران ، سال اول ، شماره ۱ ، نیویورک
- اطلاعات ضمیمه ، روزنامه اطلاعات ، سه شنبه ۱۳۷۶/۱۰/۱۶ ، شماره ۲۱۲۴۶
- ۲۷- روزنامه همشهری ، شماره ۱۳۶۲ ، دوشنبه ۱۳۷۶/۶/۳۱ ، ص ۱۲
- ۲۸- نظریه برخورد تمدنها ، ترجمه مجتبی امیری ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، تهران ، ۱۳۷۵ ، ص ۴۵
- 28- Samuel Huntington, the Clash of Civilizations , Foreign Affairs, volume 72 , No.3, Summer 1993 , p.22
- ۲۹- همان ، صص ۱۶ و ۱۶۹ و نیز اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، سال ۱۱ ، شماره ۱۱۰-۱۰۹ ، مهر و آبان ۱۳۷۵ ، ص ۲۶
- ۳۰- همان ، ص ۲۷

- ۳۱- امیری ، مجتبی ، پیش گفته ، ص ۱۸۷
- ۳۲- تاپار، رومش ، جهان در آستانه قرن بیست و یکم ، ترجمه علی اسدی ، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، تهران ، ۱۳۶۷ ، ص ۲۴۲
- ۳۳- مجتهد زاده ، پیروز ، روزنامه اطلاعات ، شماره ۲۱۲۴۶ ، ۱۶/۱۰/۷۶ ، ص ۱۲
- 34- Glassner, Martin, Political Geography , John Willy and Sons, Inc, New York, 1993, p.636
- 35- Ibid, pp.403 – 434
- ۳۶- شکوئی ، حسین ، جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی ، آستان قدس رضوی ، مشهد ، ۱۳۶۴ ، ص ۱۱۱
- ۳۷- فالک ، ریچارد ، ارزیابی سازمان ملل متحد در پنجاه سالگی ، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد ، پیش گفته ، ص ۷۱
- 38- R.Benett and R-Estall, Global Change and Challenge, Routledge, London, 1991 , p.57
- 39- Basic facts about the United Nations, op.cit, pp. 189-194
- ۴۰- روزنامه اطلاعات ، ۷۶/۱۱/۸ و ۷۶/۱۱/۱۱ ص ۱۲ و اطلاعات ضمیمه ۱۳۷۶/۱۰/۲۰ ، ص ۱



## **Pattern of New International System**

### **Abstract**

The world has been divided to 199 countries or state, which 185 of them are member of United Nations. Some events in 19<sup>th</sup> century, and world wars (1,2) in 20<sup>th</sup> century posed the necessity of peace, regulation of international relations, and remedy seeking to common problems of humanity. These caused to come into existence of an idea for establishment of an international organization.

After the 1<sup>st</sup> world war the Nation league came into existence, but failed. After the 2<sup>nd</sup> world war, United Nations organization came into existence. But it could not perform its duties in good manner, during the cold war and after that, because of its structure and some particulars were unsuitable. In addition, the new problems arised for the humanity in this period, that it was needy to the efficient management.

For this reason, transformation of the structure and functions of the United Nations, or establishment of a new system and organization is necessary, until it can organize the space of the world and manage the common issues and affairs of the world community.

This article study and analyses the two geopolitical and legal systems in the world, and mentions the shortages of United Nations, then it explains the particulars and necessities of the New International System.

**Key words:** United Nations, International System, Geopolitics, Worldwide Management, International Organization